

# ماه فروردین، روز خرداد

گزارشی از :

بهمن انصاری

## دیباچه ویراستار

کتاب **ماه فروردین روز خرداد یا مادیان ماه فروردین روز خرداد** کتاب کوچکی است به زبان پهلوی ساسانی (پارسی میانه) که در دوران پادشاهی خسرو پرویز تحریر گشته است.

این نسک نوعی روزشمار، دربارهٔ خجستگی روز ششم فروردین (که در ایران باستان روز خرداد نامیده می‌شد) می‌باشد. بدون در آن رویدادهای اساطیری برجسته‌ای که از آغاز آفرینش تا پایان جهان در این روز روی داده یا روی خواهد داد نگاشته گشته است.

به نقل از ابراهیم میرزای ناظر، از آن‌جا که تنها چهره تاریخی نام‌برده شده در این کتاب، خسرو پرویز (خسرو هرمزدان) است تاریخ این نبشته را در دوره پادشاهی او دانسته‌اند.

گزیده‌هایی نسک فوق را اینجانب در سال 1391 خورشیدی، برای نشر الکترونیک آماده کرده و در ضمن، بسیاری از واژگان را با گویش شیرین پارسی میانه (پهلوی) آورده‌ام تا کوششی باشد بر باز شناسی واژگان گم شده پارسی، و حرکتی برای دوری از زبان و ادبیات مهاجم و نازیباي عرب.

کتاب حاضر از دو بخش تشکیل گشته است. بخش نخست پاره ای است از ترجمه ملك الشعراي بهار که در سال 1312 در زندان نظمیه از پهلوی به پارسی امروزین بازگردانده است. بخش دوم نیز بخشهایی برگزیده، از نسک فوق میباشد که با بازنگری بر دیگر ترجمان‌های این کتاب و با نزدیکی هرچه بیشتر به فارسی کنونی طبع گشته و برای شما دوست‌داران فرهنگ پاک ایرانی آماده شده است.

امید است جوانان مهین ایران زمین، با خواندن نسک‌های اصیل ایرانی و انتشار آنها، هرچه بیشتر به بیداری تمدن ایرانی کمک کرده، و به همراهی هم برای پیشرفت فرهنگ ناب ایرانی و بازگشت به روزگاران پرشکوه این مرز و بوم گامی بزرگ را برداریم.

در پایان جستار به نکته ای ظریف و زیبا اشاره میکنم:

"در سنت زرتشتیان جشنی به نام «جشن کیخسرو» وجود داشته که در روز خرداد از ماه فروردین برگزار می شده اما امروزه متروک شده است. در این روز غیبت کیخسرو و ناپدید شدن او در یک شکل عرفانی، نیز رسیدن وی به گروتمان یا بهشت برین و انتقام گرفتن از خون پدرش سیاوش رخ داده است. نوروز، جشن باززایی و زندگی مجدد طبیعت است. جشن زنده شدن طبیعت است پس از مرگ. بهار است پس از زمستان. به همین جهت اغلب رویدادهای سازنده و بالنده در این روز روی داده است. در این روز سیاوش کشته می شود. کیخسرو پسر سیاوش نیز متولد می شود که رستاخیز و زایش، با مرگ و کشتگی هم زمانی می یابد."

بهمن انصاری

ویرایش و نشر در روز خرداد از ماه فروردین يك هزار و سیصد و نود و يك خورشیدی

## به نام دادار اوهرمزد ماه فروردین، روز خرداد در زندان نظمیه شروع به ترجمه شد ملک الشعراء بهار، 1312

پرسید اهلوبو زرتشت از هرمزد که چه را مردمان، ماه فروردین روز خرداد 6 فروردین) از دیگر روزها به مه و به گرمی تر دارند؟

او هرمزد پاسخ داد که سپیدمان زرتشت! ماه فروردین روز خرداد، جان گیهانیان (جهانیان) دادم.

ماه فروردین روز خرداد، ایرژ انیرژ ( ایران و انیران، یعنی ربیع مسکون) بن پیدا شد.

ماه فروردین روز خرداد، گایوک مرت کیومرث) اندر گیهان بر پیدا آمد.

ماه فروردین روز خرداد، گایوک مرت، ارزور اهریمن) برگشت

ماه فروردین روز خرداد، گایوک مرت کیومرث) را ارزور اهرمن هونوشک بکشت اهریمن کیومرث را کشت).

ماه فروردین روز خرداد، هوشنگ پیشداد اندر گیهان بر پیدا شد.

ماه فروردین روز خرداد، طهمورث، اهریمن دروند را به پارک گرفت اسب خود ساخت) سی سال.

ماه فروردین روز خرداد، جم گیهان ابی مرگ کرد، ابی زروان بی پیری) کرد.

ماه فروردین روز خرداد، جم پیمانته از دوزخ برآورد و اندر گیهان بر پیدایی رسید.

ماه فروردین روز خرداد، جم ستودان ها کرد و مردمان فرمود کردن. چون شان فرموده جم نگرستند روز به نوروز کرد و نوروز نام نهاد شهردان در روضه گوید: جمشید مردم را بشارت داد به بیماری و تندرستی.

ماه فروردین روز خرداد، فریدون بخشش گیهان کرد جهان را تقسیم کرد): اروم ( روم و باختر ) بر سلم داد، تورکستان ( خاور زمین، ترکستان ) بر توژ داد و ایران شهر بر ایرج داد و سه دختر بوختان سرو مارکوارت بوخت خسرو - نام بزرگ مردی در سرزمین عرب) تازیگان شاه برخواست و به زنی بر پسران داد. سرم و توژ اندر ابیتر (پدر) نافرمانبر شدند و ایرج برادر خویش بکشتند.

ماه فروردین روز خرداد، منوشچهر منوچهر) ابر کین ایرج بیرون آمد و سرم و توژ را به کین ایرج بر کشت.

ماه فروردین روز خرداد، منوشچهر و آیرش شپاک تیر (آرش شیوا تیر، که همان آرش کمانگیر اسطوره‌ای می باشد) زمین از فراسیاب (افراسیاب) تور باز گرفت.

ماه فروردین روز خرداد، زرتشت سپیتمانان بر بینش و هم پرسگی هرمزد رسید.

ماه فروردین روز خرداد، زرتشت سپیتمانان دین مزدیسنان (دین بهی، آیینی که امروز با نام دین زرتشتی میشناسیم) از هرمزد خدای پذیرفت.

ماه فروردین روز خرداد، کی گشتاسپ شه دین از زرتشت پذیرفت.

ماه فروردین روز خرداد، هورشیدر (یا هوشیدر که به اعتقاد زرتشتیان دوام مده، منجی آخرزمان میباشد) زرتشتیان بر بینش و هم پرسشی هرمزد خدای رسد و دین مزدیسنان از هرمزد خدای به ایوگ بار بجا آورد و روان کند و خورشید را به میان آسمان ابر نیمروز ده روز و شبان اباز دارد (خورشید ده روز بیحرکت در آسمان باز میماند) و مردمان را به دین مزدیسنان ابی گمان ( مطمئن و بی شک) کند.

ماه فروردین روز خرداد، هرمزد خدای رستاخیز و تن پسین کند. گیهان بی مرگ و بی پیری و بی غم و بی بلا شود... او هرمزد خدای اهرمن را بر زند و سترد و اکار بکنند... و آنکه گوشت خورده است به داد چهار سالگی برانگیزند و آنکه گوشت نمی خورده است به داد پانزده سالگی برانگیزند و ایشان از آن جای برانگیزند که جانشان از تن به در شده. هر مرد که او را زن نیست سپندارمذ زن دهد و هر زن که او را شوی نیست هرمزد شوی دهد. اندر 57 سال ایشان را فرزند زایش بود، آن مرد را که هرگز زن نکرد و آن زن را که هرگز شوی نکردد و دیگر از آن بیش هرگز فرزند زایش نبود... .

از کتاب

ترجمه چند متن پهلوی- مقاله های ملک الشعراء بهار- گرد آورنده مقالات و تدوین کتاب: محمد گلبن، دیماه 1347

## بخشهای برگزیده از کتاب "ماه فروردین، روز خرداد"

در این روز در پیکر مردم جان و جنبش به وجود آمد. ایران زمین در چنین روزی پیدایی یافت. در این روز کیومرث دیو ارزور Arzura را کشت. در این روز نخستین جفت بشر مشیبه و مشیانه چون دو ساقه ریواس از زمین رستند. در این روز هوشنگ پیشدادی به پیدایی آمد (به عنوان اولین پادشاه جهان بر اورنگ شاهی نشست). در این روز تهمورث اهریمن را به بند کشید و مدت سی سال در بند نگاه داشت. در این روز جمشید جهان را بی مرگ و مردمان را همیشه جوان کرد. در این روز جمشید بفرمود استودان ها گورها) برکنند و مردم آن روز را نوروز خواندند. در این روز سام نریمان (گرشاسپ) شنادزک shanādzak (سناویذک snāvizka) دیو را بکشت. در این روز سام نریمانان (گرشاسپ) ازدهای بزرگ را بکشت. در این روز فریدون جهان را میان سه پسرش سلم و تور و ایرج بخش کرد. سه دختر بوخت خسرو را برایشان به زنی ستاند. در این روز سلم و تور بر ایرج رشک بردند و او را بکشتند. در این روز منوچهر به خونخواهی ایرج بیرون آمد (قیام کرد) و سلم و تور را بکشت. در این روز منوچهر و آرش شیوا تیر (همان آرش کمانگیر معروف)، ایران را از افراسیاب بازپس گرفتند. در این روز کیخسرو افراسیاب را به کین پدر خود سیاوش بکشت. در این روز کیخسرو سیاوشان، جهان را بدرود کرد و به گرزمان شد\* (به آسمانها عروج کرد). در این روز زرتشت مورد وحی و همپرسگی اهورامزدا قرار گرفت. در این روز زرتشت آیین مزدیسنا (دین زرتشتی) را آشکار کرد. در این روز کی گشتاسپ آیین بهی از زرتشت پذیرفت. هجده چیز طی هجده سال در این روز به خسرو هرمان (خسرو پرویز) خواهد رسید (گویا نویسنده این متن جاودان، در دوره پادشاهی خسرو پرویز میزیسته است که در میان تمام وقایعی که از نسکهای دینی برگرفته به ناگاه برای خرسندی شاهنشاه، نام او را در میان کتاب آورده است). **نویسنده تا اینجا از وقایع فرخنده گذشته که در این روز اتفاق افتاده سخن گفت و از اینجا به بعد درباره وقایع آخرزمان در این روز سخن به میان می آورد** در این روز بهرام ورجاوند از دوده کیان در پایان هزاره دهم از هند به پیدایی خواهد آمد. در این روز پشوتن گشتاسپان از کنگدژ بیرون خواهد آمد تا دین مزدایی روا کند. در این روز هوشیدر پسر زرتشت (از نوادگان زردشت) بیرون آید و دین مزدایی انتشار دهد. در این روز سام نریمان (گرشاسپ) از خواب برخاسته و از دهاک ضهاک) را، که پس از هزاران سال بندی را که فریدون به او بسته بود، گسسته و از کوه دماوند پایین آمده، بکشد و به هفت کشور شهریاری کند و سرانجام پادشاهی به کیخسرو سپارد. در این روز کیخسرو پنجاه و هفت سال شاهی کند بر هفت کشور و سوشیانس موبدان موبد باشد. در این روز کیخسرو پادشاهی به گشتاسپ دهد و سوشیانس موبدان موبدی را به زرتشت تا روز رستاخیز شود. در این روز جهان همه جاودان و بی مرگ و بدی شود. در این روز آزادیو (دیو آز) آن دیو بزرگ زشت نهاد همه دیوان و دروجان هپروکند ببلعد) و پس از آن ایزد سروش آن دیوان دیو (همان آيو آز را که دیوان دیگر را بلعیده و قدرتمند شده است) را براندازد. در این روز اورمزد اهریمن را بزند و برای همیشه بیکار کند. همه جای زمین بهشت شود.